

پای دل گفته های همسر و مادر شهیدان باشتنی از شهدای سلطان آباد سبزوار

## پیکر همسر که برگشت دخترم ۹ روزه بود

پسر مرا از روی ساعت دستش شناختم

**علی اکبر ملکی** - بعد از چند هفته تماس تلفنی پی در پی و هماهنگی های مختلف در حالی که دلش راضی به مصاحبه نبود و می گفت همه چیز را فراموش کرده است؛ بالاخره موافقت اش را گرفتم تا حرف ها و دلتنگی هایش را بشنوم. همسر شهید

رجبعلی باشتنی و مادر شهید علی اصغر باشتنی را می گویم؛ او که تمام این سال ها را با خاطرات همسر و فرزند شهیدش سپری کرده و حالا قرار است بخشی از این حرف ها و دل گذشته ها را برای من باز گو کند. ابتدا می گفت خاطرات شهیدانش را فراموش کرده اما وقتی بر گاهی دفتر زندگی اش را برایش ورق می زد می هم آن گذشته ها را برایت بازبان شیرینش بیان می کرد. خاطراتی که همه آن بخش های مهمی از تاریخ شفاهی مقاومت و حماسه مردمان گوشه و کنار این سرزمین است. اجازه بدهید عنوان بخشی از حرف هایش را «رنج زمانه» بگذارم. او از من یک خواسته ساده در باره همسر شهیدش داشت که البته با وجود تلاش و پیگیری از مسئولان بنیاد شهید خوشاب و شهرداری سلطان آباد نتوانستم آن را برآورده کنم. او بعد از شهادت همسرش در اول نوروز سال ۶۱ محل زندگی اش منطقه سلطان آباد در حوالی سبزوار را رها و با چهار فرزندش به شهر سبزوار مهاجرت می کند.

### ● به دنبال گمشده

فرزندش علی اصغر که در ۱۷ سالگی راه پدر را انتخاب کرده بود بعد از عملیات کربلای ۵ در سال ۶۵ هفت سال مادر را چشم انتظار خودش در نگرانی گذاشت. مادری که در چشمانش اشک بود و در قلبش دلپره مادری که تا چندین ماه نمی دانست آیا فرزندش شهید، مجروح، جانباز یا اسیر شده است. خانم کلثوم بخشی، همسر شهید رجبعلی باشتنی می گوید: علی اصغر برای اولین بار از جبهه بازگشت، وقتی برای نوبت دوم خواست برود از من

پسر بزرگ خانواده به جبهه اعزام شود، پاسخ داد: به پسر می گفتم مادر جان؛ بمان پدرت تکلیفش را به اسلام ادا کرده، می گفت؛ او در راه خدا به وظیفه اش عمل کرده من نیز به وظیفه ای که دارم باید عمل کنم.

### ● به او گفتم ترو

وقتی از فرزند شهیدش حرف می زند، قلبش به تپش می افتد و تند می زند از صدایش مشخص است که

حالتش دگرگون است. او خاطره جبهه فتن همسرش را هم برابم نقل می کند: باراولی که رجبعلی به جبهه اعزام شد سه ماه طول کشید. وقتی در اعزام دومش به رجبعلی گفتم من در سلطان آباد تنها هستم، بمان اوضاع بهتر شود و فرزندمان به دنیا بیاید و بعد جبهه برو، پاسخ داد: خداوند توانا و قادر از شما همیشه مراقبت می کند و از تو هم می خواهم زینب گونه

### ● از لباس و ساعتش شناختم

او می گوید: بعد از حدود هفت سال دوری از فرزندم برای شناسایی او در بین اجساد شهیدار فتن تنها او را از روی لباس هایی که بر تن داشت و ساعتی که بر دستش بسته بود، شناختم. وقتی از او سوال می کنم چرا اجازه دادید بعد از شهادت همسرتان،



و با فداکاری و ایثار فرزندانم را تربیت کنی و اگر نخوایستی فرزندانم را به برادرم بسیار تان ها را بزرگ کند، وقتی بزرگ شدند ببر پیش خودت و برایشان مادری کن. او سرانجام رفت وقتی پیکر همسر شهیدم را آوردند دخترم ۹ روزه بود.

### ● زیارت مزار همسر م پشت دیوارهای بتنی

همسر شهید رجبعلی باشتنی با بیان این که بعد از شهادت پسرم اجازه ندادم او را در سلطان آباد تدفین کنند و در سبزوار در کنار شهدا به خاک سپردیم، افزود: هر وقت دلم تنگ می شود در کنار فرزندم در سبزوار حاضر می شوم ولی در سلطان آباد برای زیارت مزار همسر شهیدم مجبورم گاهی اوقات بعد از طی کردن مسیر ۴۵ کیلومتری سبزوار تا سلطان آباد او را از پشت دیوارهای بتنی در حالی که بنای یادبودی برای شهدا ساخته ایم

و بر دهنی اش قفل زده اند، زیارت کنم. وی با بیان این که مگر بنای یادبود شهیدان گنج هزار ساله دارد که بر در آن قفل می زنند و به جز پنج شنبه بعد از ظهرها و در ایام خاصی از سال بقیه ایام بسته است؟ می افزاید: چند سال است که تلاش کردیم و در خواست دادیم یک کلید از این محل به ما بدهند تا بتوانم به راحتی در کنار همسر شهیدم حضور داشته باشم و از نزدیک او را زیارت کنم و برایش قرآن و فاتحه بخوانم، اما موفق نشدم و من همچنان از پشت دیوار بتنی با همسرم در دلم می کنم. همسر شهید باشتنی راست می گفت چرا که تنهایی او را از نزدیک در این مکان دیده بودم و دوبار از من خواست پیگیر این موضوع باشم ولی پیگیری های من هم هیچ وقت به نتیجه نرسید و جز شرمندگی هیچ پاسخی برایش نداشتم. در همین زمینه رضامهری، رئیس بنیاد شهید خوشاب به ما می گوید: اگر همه خانواده شهیدار رضایت بدهند در این مجموعه را باز می گذاریم تا همه به راحتی بتوانند در کنار عزیزانشان حضور داشته باشند. به دلیل وجود وسایلی که در این محل نگهداری می شود امکان دادن کلید وجود ندارد و باید از طریق شهرداری پیگیر موضوع باشند. مرتضی رهنمافر، شهردار سلطان آباد هم می گوید: امکان دادن کلید به این خانواده محترم وجود ندارد و ما یک نفر را تعیین کردیم هر زمان نیاز بود در کنار شهدا حضور داشته باشد از وی درخواست کنند در مجموعه را باز کند و بعد از رفتن شان ببندد.

وقتی سخنان مسئولان را برای مادر شهید بیان کردم، در جواب گفت: من که نمی توانم مدیون مردم شوم و برای حضور در کنار همسرم به دنبال مردم باشم و آن ها را سرپا نگه دارم تا با همسرم سخن بگویم و آن ها منتظر من باشند تا من بروم فاتحه بفرستم و تلاوت قرآن داشته باشم. مادر جان دیگر پیگیری نکن من گلابه ام را آن دنیا خواهم گفت...



این عملیات بود که به شهید خلعتبری لقب "حسین ماوریک" شکارچی ناوهای اوزار ادادند.

### ● حمله به الولید

پس از دومین حمله هوایی در عملیات کمان ۹۹ صدام مجبور شد که بیشتر هواپیماهای خود را از تیررس خلبانان ایرانی خارج کند و به پایگاه هوایی "الولید" در جوار مرزهای مشترک خود با اردن و سوریه در غربی ترین نقطه عراق انتقال دهد. با طراحی، اجرا و انجام عملیاتی بسیار دقیق و حساب شده، این منطقه در ۶۰/۱/۱۵ با نام عملیات حمله به اچ-۳ و الولید هدف تهاجم هواپیماهای نیروی هوایی ارتش قرار گرفت و خسارات سنگینی به بار آورد.

### ● پشتیبانی از عملیات های بزرگ

در عملیات های بزرگی همچون ثامن الائمه (ع) در ۵ مهر ۶۰، طریق القدس در ۸ آذر ماه ۶۰، فتح المبین در ۲ فروردین ۶۱ و بیت المقدس در ۱۰ اردیبهشت ۶۱، ابتدا خلبانان تیزپرواز نیروی هوایی با اجرای عملیات شناسایی و عکس برداری هوایی اطلاعات کافی از استعداد و ترکیب نیروهای دشمن به دست آورده و در اختیار طراحان عملیاتی می گذاشتند و در حین و بعد از اجرای عملیات ها، روزانه با انجام ده ها سورتی پرواز، بمباران خطوط مقدم جبهه ها، تهیه آتش پشتیبانی از هوا، قطع خطوط مواصلاتی و جداسازی نیروهای دشمن و پشتیبانی نزدیک هوایی از نیروهای سطحی و انهدام مراکز تجمع دشمن برای ایجاد شگاف در خطوط مستحکم تماس و همچنین تأمین دفاع هوایی از عقبه و عمق مناطق عملیاتی و تأمین پوشش هوایی ارتفاع کم، متوسط و بالا برای عملیات بعدی را عهده دار بودند. در عملیات والفجر، نیز نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران نقش مهم و سرنواشت ساز در شکست دشمن یعنی داشتند. ابتکارات، نوآوری ها و خلاقیت ها به انهدام و سرنگونی بیش از ۷۰ فروند از هواپیماهای پیشرفته و بالگردهای تهاجمی نیروهای یعنی صدام منجر شد. سوخت رسانی هوایی، ترابری هوایی رزمندگان، حمل مجروحان، انتقال مهمات و... از دیگر اقدامات مؤثر نیروی هوایی در دوران دفاع مقدس بود.

سازمان حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس ارتش تنظیم: سهرنگ ستاد قاسم اکبری مقدم

مروری بر مقاومت نیروی سرافراز هوایی ارتش در هفته های اول جنگ تحمیلی

# حماسه عقابان آهنین بال

اولین پاسخ این هشدار را داد که آمادگی کامل دارد و نشان داد که صدام خطای بزرگی را مرتکب شده است.

### ● دومین پاسخ دندان شکن

دومین حمله سراسری هوایی نیروی هوایی ارتش، در اولین دقایق روز اول مهر ۵۹ در قالب طرح نبرد البرز که در ۹۹ صفحه از قبل توسط نیروی هوایی طرح ریزی شده بود با حمله همزمان ۱۴۰ فروند انواع جنگنده شکاری بمب افکن نیروی هوایی به پایگاه های نظامی و مراکز پشتیبانی رژیم یعنی عراق آغاز شد. در این عملیات از جنگنده بمب افکن های اف-۵ و اف-۴ برای بمباران و شکاری- رهگیر های اف-۱۴ برای محافظت از هواپیماها و بوئینگ ۷۴۷ و بوئینگ ۷۰۷ برای سوخت رسانی و سی-۱۳۰ هرکولس برای جمع آوری اطلاعات الکترونیکی برای مشخص کردن محل پایگاه های موشکی استفاده شد. در مجموع در این عملیات ۲۰۰ فروند هواپیما شرکت داشتند و حدود ۴۰۰ نفر از کارکن عملیاتی و فنی مستقیم با این عملیات درگیر بودند.

ای انجام ندادند. صدام قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر را در مقابل دوربین پاره و در سخنرانی رسمی خود اعلام کرده بود که این جنگ، جنگ تفریح نظامی با ایران است و قاطعانه اعلام کرد که روز اول خمرشهر روز سوم خوزستان و هفته بعد تهران را تصرف خواهیم کرد.

### ● اولین پاسخ نیروی هوایی

ظهر روز ۳۱ شهریور ۵۹ در ساعت ۱۳:۳۰، هواپیماهای رژیم یعنی صدام در یک حمله هوایی گسترده ۱۹ مکان شامل پایگاه های هوایی و فرودگاه های ایران را هدف حمله قرار می دهند. در کمتر از دو ساعت بعد از حمله رژیم یعنی صدام، هواپیماهای نیروی هوایی ایران، در واکنشی سریع و غیرقابل باور برای دشمن، از پایگاه سوم شکاری همدان و ششم شکاری بوشهر در قالب دو گروه چهار فروندی به پایگاه هوایی شعبیه در استان بصره عراق و پایگاه هوایی کوت در استان العماره حمله کردند و اولین پاسخ کوبنده و دندان شکن را به دشمن دادند. عملیات روز اول نیروی هوایی به «اولین پاسخ» یا «عملیات انتقام» معروف است.

نیروی هوایی با عملیات

سی و هشت سال قبل در چنین روزهایی و هفته های آغازین جنگ تحمیلی از سوی رژیم بعث، از جمله یگان های نظامی جمهوری اسلامی که در برابر زیاده خواهی های دشمن ایستادگی کرد و حماسه آفرید، نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران بود که همواره نامش در سند عزت و افتخار این سرزمین می درخشد. نیروی هوایی ارتش با همکاری و تلاش کم نظیر و غیر قابل وصف نیروهای خود، در حوزه های مختلف اعم از عملیات، اطلاعات، پدافند، فنی، مهندسی و... با به پرواز درآوردن عقابان آهنین بال خود در آغازین روزهای جنگ که هیچ نیروی مسلحی آمادگی دفاع و مقابله با دشمن زبون و سرخوش از پیشروی های اولیه را نداشت، با حملات سهمگین و صاعقه وار، بدر شکست خصمی را در سرزمین های داغ خوزستان و کوه های سر به فلک کشیده کردستان و کرمانشاهان افشاند که هرگز داعیه فتح سه روزه ایران اسلامی را در سرتپه رواند.

### ● جنگ قبل از جنگ

رژیم بعثی صدام، مقدمات جنگ را از چند ماه قبل از تجاوز سراسری آغاز کرده بود زیرا باید ارزیابی و بررسی هایی را از وضعیت ایران به ستاد برتر و مقامات بالای رژیم بعث منتقل کند، پس نیروی هوایی دو طرف «جنگ قبل از جنگ» را داشته اند. با آغاز شهربور برای نظامیان کار کشته به ویژه افسران نیروی هوایی شکی باقی نمانده بود که صدام قصد انجام یک تجاوز سراسری به ایران را دارد، بنابراین از طرف فرماندهی وقت نیروی هوایی شهید سرلشکر خلیان جواد فکوری به کلیه فرماندهان پایگاه ها دستور انجام پرواز های شناسایی و رزمی و گرفتن عکس های دقیق هوایی از فعل و انفعالات نظامی عراق را صادر می کند. گزارش ها و تفسیر عکس های هوایی حکایت از تمرکز بیش از حد قوای نظامی دشمن در پشت مرزهای جنوب و غرب ایران داشت. در ۱۷ شهریور ۱۳۵۹، ارتش رسماً اعلام می کند حمله عراق قطعی است و از مقامات سیاسی کشور می خواهد که خود را برای مقابله با دشمن آماده کنند اما متأسفانه برخی مسئولان سیاسی توجهی به گزارش های نیروی هوایی و زمینه ارتش نکردند و برای حمایت از ارتش در سطوح سیاسی هیچ برنامه

